

بازخوانی ویژگی‌های اختصاصی شرکت سهامی از دریچه لایحه

جدید قانون تجارت

رضا زارعی^۱، حمید میری^{۲*}

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۱۲؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۰۶/۲۰)

چکیده

شرکت سهامی به منزله یکی از مهم‌ترین شرکت‌های تجاری، واجد ویژگی‌هایی است که آن را از دیگر شرکت‌های تجاری متمایز می‌گرداند. مقاله حاضر در صدد است تا این ویژگی‌ها را با توجه به مصوبات کنونی و لایحه جدید قانون تجارت، استخراج و بررسی کند. می‌توان گفت حد نصاب لازم برای تعداد اعضا و میزان سرمایه، تقسیم سرمایه به سهام، محدودیت مسئولیت شرکا به مبلغ اسمی سهام، امکان واگذاری آزادانه سهام و تجاری‌بودن این شرکت از لحاظ شکل، وجه تمایز آن از دیگر شرکت‌های تجاری است. مقایسه این ویژگی‌ها در مقررات موضوعه کنونی و لایحه جدید قانون تجارت، متضمن نتایج بعضاً متفاوتی است.

واژگان کلیدی:

شرکت سهامی، سهام، سهامداران، مسئولیت، شرکت تجاری.

مقدمه

مبحث شرکت‌های تجاری یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین بخش‌های حقوق تجارت می‌باشد. این امر، به دلیل تاثیرگذاری این شرکت‌ها در چرخه اقتصادی و در نتیجه، نظم عمومی جامعه است. بازخوانی مقررات مربوط به خوبی، این گفته را تأیید می‌کند. به طوری که لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷^۱ که جای‌گزین مقررات نسخ‌شده شرکت سهامی قانون تجارت گردید و می‌توان آن را قانون شرکت‌های سهامی نیز نامید (پاسبان، ۱۳۸۶، ص ۷۸)، به تنهایی دربرگیرنده‌ی ۳۰۰ ماده می‌گردد. این در حالی است که دیگر شرکت‌ها روی هم‌رفته ۱۵۰ ماده را به خود اختصاص داده‌اند. هم‌چنین، در لایحه نوین قانون تجارت^۲ نیز از حدود ۴۰۰ ماده بخش شرکت‌های تجاری، بدون در نظر گرفتن بخش کلیات که شامل همه شرکت‌ها می‌گردد، افزون بر ۲۶۰ ماده به شرکت‌های سهامی اختصاص دارد و این امر نشان از جایگاه برجسته این شرکت، در میان شرکت‌های تجاری دارد. این مقاله در صدد بررسی ویژگی‌های عمومی و یا به عبارتی ارکان عمومی شرکت‌های تجاری مانند وجود شخصیت حقوقی، شرکت‌نامه و اساس‌نامه مصوب، شرایط اساسی درستی قراردادها در عقد شرکت، مدیران و بازرسان و... - که در میان همه این شرکت‌ها مشترک است - نیست و این موضوع را به منابع مرتبط وامی‌گذارد (عیسایی نفرشی، ۱۳۷۸، ص. ۵۳ به بعد؛ اسکینی، ۱۳۷۹، ص ۱۸ به بعد؛ دمرچیلی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۳ به بعد). موضوع این مقاله، تنها بررسی ویژگی‌های خاص شرکت‌های سهامی است که آن را از دیگر شرکت‌های بازرگانی جدا می‌کند. در لایحه اصلاح و نیز لایحه جدید قانون تجارت، ویژگی‌های خاص شرکت‌های سهامی، همانند دیگر شرکت‌ها، به صورت شمارش شده از سوی قانون‌گذار بیان نگردیده و در نتیجه، این ویژگی‌ها باید از مقررات مربوطه استنتاج گردد. قانون‌گذار در هر دو مقررات یاد شده، در تعریف شرکت سهامی تنها به بیان دو ویژگی برای این شرکت‌ها پرداخته که در نتیجه از این جهت، تعریفی جامع و

۱. که از این پس در این مقاله، لایحه اصلاح قانون تجارت نامیده می‌شود.

۲. منظور از لایحه، قانون تجارت مصوب ۱۳۸۴ هیأت دولت می‌باشد که تاکنون به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است.

مانع ارایه نکرده است (پاسبان، ۱۳۸۶، ص ۸۰)؛ ماده ۱ لایحه اصلاح قانون تجارت و نیز ماده ۴۷۹ لایحه جدید^۱ بیان می‌دارد: «شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آن‌ها است.» چنان‌که ملاحظه می‌گردد، در این تعریف، تنها به تقسیم سرمایه به سهام و محدودیت مسئولیت صاحبان سهام به مبلغ اسمی سهام، اشاره گردیده است در حالی که ویژگی‌های شرکت‌های سهامی، منحصر به این موارد نیستند. این دو ویژگی به همراه دیگر ویژگی‌های مربوط به شرکت‌های سهامی، که در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد باعث گردیده که برخلاف پیش‌بینی برخی نویسندگان (کیایی، ۱۳۵۰، ص ۱۲۴) این شرکت‌ها در ایران با استقبال خوبی روبرو گردند.

ویژگی‌های اختصاصی شرکت‌های سهامی

لزوم وجود تعداد معینی از سهام‌داران

قرارداد شرکت مانند بیش‌تر قراردادهای، اصولاً با توافق دو شخص بوجود می‌آید؛ ولی، قالب‌هایی که قانون‌گذار برای ایجاد برخی شرکت‌های تجاری، طراحی نموده متناسب با دو شریک نیست (کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۵۸). یکی از راه‌کارهایی که قانون‌گذار در جهت متناسب‌نمودن شمار سهام‌داران با قالب شرکت مطرح کرده، تعیین حداقل تعداد سهام‌داران است. ماده ۳ لایحه اصلاح قانون تجارت، بیان می‌دارد: «در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کم‌تر باشد». حکم این ماده به صورت مطلق بیان گردیده و در نتیجه از دید منطقی باید دربرگیرنده‌ی هر دو گونه شرکت سهامی عام و خاص گردد. اما، ماده ۱۰۷ همین لایحه درباره ویژگی‌ها و شمار اعضای هیأت مدیره شرکت سهامی عام، مقرر می‌دارد: «شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهم انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشد، اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عام نباید از پنج نفر کم‌تر باشد». عده‌ای از مؤلفین (دمرچیلی، ۱۳۸۱، ص ۹۸) رابطه این دو ماده را از باب تزاحم دانسته و مقرر کرده ماده ۳ لایحه اصلاح قانون تجارت را صرفاً در شرکت‌های سهامی خاص، مجری

۱. البته در قسمت اخیر این ماده به جای عبارت «... مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست» عبارت «... مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی آنهاست» درج گردیده که به نظر می‌رسد ناشی از مسامحه باشد و از این جهت پیشنهاد می‌گردد این قسمت از ماده در تصویب نهایی، اصلاح گردد.

می‌دانند. برخی دیگر (پاسبان، ۱۳۸۶، ص ۸۴) این رابطه را عام و خاص دانسته و به تخصیص ماده ۳ لایحه اصلاح قانون تجارت به وسیله ماده ۱۰۷ این لایحه قایلند و برخی (افتخاری، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳) نیز قایل به نسخ ضمنی ماده ۳ لایحه مذکور به وسیله ماده ۱۰۷ آن در خصوص شمار سهام‌داران شرکت سهامی عام گردیده‌اند. سرانجام گروهی (اسکینی، ۱۳۷۹، ص ۱۸؛ کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۵۹؛ عیسایی تفرشی، ۱۳۸۷، ص ۸؛ حسنی، ۱۳۸۷، ص ۴۶) با مقایسه این دو ماده و بدون ذکر پیوستگی میان آن‌ها، وجود دست کم ۵ نفر شریک در شرکت سهامی عام را ضروری می‌دانند. در هر صورت، نقطه اشتراک مهمی این دیدگاه‌ها، غلبه مطلق ماده ۱۰۷ لایحه اصلاح قانون تجارت بر ماده ۳ این لایحه در خصوص تعداد سهام‌داران شرکت سهامی عام است. در مقابل، برخی نویسندگان، این غلبه مطلق را نپذیرفته و قایل به تفکیک میان مرحله تأسیس و تشکیل شرکت گردیده و مقرر ماده ۳ لایحه مذکور در خصوص وجود حداقل ۳ شریک را در شرکت‌های سهامی عام نیز کافی می‌دانند. در نتیجه وجود حداقل ۵ شریک در شرکت سهامی عام را ناظر بر مرحله تشکیل این شرکت می‌دانند: «... در حقوق ما شرکت‌های سهامی عام با سه نفر مؤسس آغاز می‌شود (ماده ۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷) اما برای تشکیل آن باید حداقل پنج نفر شریک داشته باشد» (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۲۵). در تقویت این نظر گفته شده است که برخلاف شرکت سهامی خاص که ممکن است تعداد سهام‌داران آن در عدد ۳ ثابت بماند، در شرکت سهامی عام به این دلیل که بوسیله پذیره‌نویسی عملاً تعداد سهام‌داران بیش از حد نصاب مقرر برای تشکیل آن می‌شود، قانون‌گذار در ماده ۱۰۷ عده‌ای بیش از حد نصاب تشکیل را برای تشکیل هیأت مدیره لازم دانسته و این امر مثبت لزوم وجود ۵ شریک، برای تأسیس شرکت سهامی عام نیست، در نتیجه «... ماده ۱۰۷ لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت، ناظر به تعداد اعضای هیأت مدیره در شرکت سهامی عام است نه تعداد لازم برای تأسیس آن شرکت‌ها»^۱ (افتخاری، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳).

با توجه به اطلاق ماده ۳ لایحه اصلاح قانون تجارت و در نتیجه، شمول آن نسبت به هر دو شرکت سهامی عام و خاص، و نیز این که هر دو ماده ۳ و ۱۰۷ در ضمن یک لایحه قانونی قرار دارند و از آن جا که قایل شدن به بیان دو حکم متفاوت ضمن لایحه واحد، نسبت دادن عملی

۱. البته، این مؤلف نهایتاً حکم به نسخ ضمنی ماده ۳ لایحه مذکور توسط ماده ۱۰۷ این لایحه می‌دهد (افتخاری، همان، ص ۱۳۳).

غیر حکیمانه به قانون‌گذار است و هم‌چنین اجرای قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» به نظر می‌رسد، باید نظر اخیر را تقویت نمود و قایل شد که ماده ۳ لایحه مذکور در خصوص لزوم وجود ۳ شریک در شرکت سهامی، ناظر بر تأسیس هر دو شرکت سهامی عام و خاص است. اما، جهت تشکیل هیأت مدیره و در نتیجه اداره و انجام امور اجرایی شرکت سهامی عام، وجود ۵ نفر شریک ضروری می‌باشد. در هر صورت، باید به کسانی (پاسبانی، ۱۳۸۶، ص ۸۴) حق داد که از نحوه عملکرد قانون‌گذار در این زمینه و سپردن سرنوشت تعیین تعداد سهام‌داران به تفسیر و قیاس، انتقاد نموده‌اند. انتقاد دیگری که در این خصوص به قانون‌گذار وارد است، استفاده از عبارت «نفر» به جای «شخص» در مورد سهام‌داران شرکت سهامی در هر دو ماده ۳ و ۱۰۷ لایحه اصلاح قانون تجارت است و این در حالی است که با توجه به ماده ۵۸۸ قانون تجارت^۱ هیچ تردیدی در امکان سهام‌دار شدن شخص حقوقی در شرکت سهامی وجود ندارد. بنابراین، باید این عمل قانون‌گذار را حمل بر مسامحه نمود نه منع کردن اشخاص حقوقی از عضویت در شرکت‌های سهامی (عیسایی تفرشی، ۱۳۷۸، ص ۶۰؛ فروحی، ۱۳۷۲، ص ۵). مطابق بند ۲ ماده ۵۴ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۰، کاهش تعداد اعضای شرکت تعاونی از حد نصاب مربوطه، با لحاظ شرایطی، باعث انحلال شرکت تعاونی می‌گردد. گرچه در مورد دیگر شرکت‌های تجاری به این امر تصریح نگردیده، اما با توجه به این که شرکت تعاونی از این جهت خصوصیتی ندارد باید گفت در دیگر شرکت‌های تجاری نیز وجود حداقل اعضا هم لازمه تشکیل و هم لازمه بقا شرکت می‌باشد (عیسایی تفرشی، ۱۳۷۸، ص ۵۹؛ دمرچیلی، ۱۳۸۱، ص ۹۸)؛ به دیگر بیان «... در صورتی که سهام شرکت، متعلق به عدّه‌ای گردد که کم‌تر از حداقل مقرر در قانون می‌باشد، شرکت سهامی منحل شده تلقی می‌گردد» (ستوده تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۵). هم‌چنین، از بین رفتن شرکا به طریقی که کلیه سرمایه شرکت متعلق به یک نفر شود، از موارد انحلال قهری شرکت محسوب گردیده (ستوده تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۷) و حتی به باور برخی (اسکینی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸) در این فرض، رجوع به دادگاه جهت صدور حکم انحلال نیز لازم دانسته نشده است.^۲ مختصراً اشاره گردد که

۱. ماده ۵۸۸ قانون تجارت: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قایل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال ذلک».

۲. برای دیدن نظر مخالف که با توجه به سکوت قانون‌گذار در خصوص لزوم استمرار حد نصاب تعداد شرکا در طول

در خصوص ضمانت اجرای عدم رعایت حد نصاب شمار اعضا در هنگام تشکیل شرکت، می‌توان با توجه به مواد ۲۷۰ و ۲۷۳ لایحه اصلاح قانون تجارت، به امکان بطلان شرکت و نیز مسئولیت تضامنی اشخاص مسئول بطلان در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث اشاره کرد. لزوم وجود حد نصاب مقرر، برای تشکیل و بقاء شرکت سهامی، با استثنایی به نام شرکت دولتی روبرو می‌گردد؛ به این صورت که با توجه به ماده ۳۰۰ لایحه اصلاح قانون تجارت، که شرکت‌های دولتی را علی‌الاصول تابع قوانین تأسیس و اساس‌نامه‌های خود می‌داند و ماده ۴ قانون خدمات کشوری مصوب مهرماه ۱۳۸۶ که شرکت دولتی را شرکتی می‌داند که بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت است، می‌توان شرکت‌های سهامی دولتی تشکیل داد که تنها ۱ یا ۲ عضو داشته باشد. هم‌چنین با نگرش به تبصره ۲ ماده اخیر، امکان تقلیل تعداد سهام‌داران شرکت سهامی از حد اقل مقرر قانونی در طول حیات شرکت، به واسطه ملی یا مصادره شدن و در نتیجه تبدیل شدن به یک شرکت دولتی، وجود دارد.^۱ هم‌چنین گفته شده است (ستوده تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۶)، در لایحه اصلاح قانون تجارت، در خصوص حد اکثر تعداد سهام‌داران شرکت سهامی، همانند دیگر شرکت‌های تجاری، محدودیتی در نظر گرفته نشده است. به‌همین دلیل، ممکن است تعداد سهام‌داران بعضی از شرکت‌های سهامی به هزاران نفر برسد. امری که با فلسفه وجودی این شرکت‌ها سازگار است.

بررسی لایحه جدید قانون تجارت

در لایحه جدید قانون تجارت، تعداد سهام‌داران لازم در شرکت‌های سهامی عام و خاص، به صورت تفکیکی بیان گردیده است و در نتیجه از این لحاظ، اشکال لایحه اصلاح قانون تجارت را ندارد. ماده ۴۸۲ این لایحه بیان می‌دارد: «تعداد سهام‌داران در شرکت‌های سهامی عام

حیات شرکت، کمتر شدن تعداد شرکا از حد نصاب قانونی به واسطه انتقال قراردادی یا قهری سهام را مجاز می‌داند رجوع کنید به (کاویانی، ص ۲۵۱ و ۲۵۹). اما این نظر قابل پذیرش نیست زیرا سکوت قانونگذار در این خصوص به دلیل بدیهی بودن این موضوع است نه عدم احتیاج به آن؛ چرا که همان فلسفه‌ای که وجود حد اقل سه شریک را در ابتدای حیات شرکت توجیه می‌نماید، در طول حیات شرکت هم وجود دارد که عبارت است از امکان اجرای مقررات قانونی مربوط به این شرکت‌ها از جمله تشکیل مجامع عمومی و هیأت مدیره، تعیین بازرس و ...

۱. شایان ذکر است که بانک‌های دولتی و موسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه دولتی از مصادیق شرکت‌های دولتی محسوب می‌شوند. جهت دیدن توضیحات بیشتر در این خصوص رجوع کنید به (عیسای تفرشی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۸ به بعد؛ عیسای تفرشی، ۱۳۸۷، ص ۱۰ به بعد).

از ۱۰ نفر و در شرکت‌های سهامی خاص از ۳ نفر نباید کم‌تر باشد» چنان‌که ملاحظه می‌گردد حداقل تعداد لازم سهام‌داران شرکت سهامی خاص، تغییر نکرده بلکه در شرکت سهامی عام به ۱۰ نفر افزایش یافته است. اما این ماده اشکال دیگر لایحه اصلاح قانون تجارت را دارا است و آن استفاده از عبارت «نفر» به جای «شخص» است که پیشنهاد می‌گردد در تصویب نهایی این لایحه، اصلاح گردد. هم‌چنین باید گفت با توجه به این لایحه نیز وجود این تعداد از سهام‌داران هم لازمه تشکیل و هم لازمه استمرار شخصیت حقوقی شرکت است. در نتیجه، چنان‌چه پس از تأسیس، تعداد سهام‌داران به هر دلیل حتی دلایل قهری مانند فوت سهام‌داران، کم‌تر از حد نصاب‌های مذکور گردد، شرکت سهامی، منحل می‌شود. زیرا علاوه بر استدلال‌هایی که در قسمت قبلی گذشت، لحن ماده ۴۸۲ نیز مؤید همین حکم است. چرا که اطلاق آن هم شامل زمان تأسیس و هم بعد از آن می‌گردد. البته، پیشنهاد می‌شود در قسمت کلیات لایحه جدید، که اختصاص به قواعد مشترک تمام شرکت‌ها دارد، برای برطرف‌شدن هر گونه شبهه احتمالی، از جمله شبهه عدم انحلال شرکت در فرض کم‌شدن قهری تعداد سهام‌داران از نصاب مقرر قانونی (مانند فوت سهام‌داران)، ماده‌ای بدین مضمون درج گردد: «چنان‌چه پس از تأسیس هر یک از شرکت‌های مذکور در این قانون، تعداد سهام‌داران به هر دلیل از نصاب مقرر قانونی کم‌تر گردد، شرکت منحل خواهد شد». با توجه به ماده ۸۳۴ لایحه جدید، استثنای شرکت‌های دولتی از حد نصاب مقرر برای شرکت‌های سهامی، هم‌چنان پابرجاست و مباحث پیشین در این خصوص، کماکان قابل استفاده می‌باشد. این ماده بیان می‌دارد: «شرکت‌های دولتی و شرکت‌های تعاونی، مشمول مقررات این قانون هستند، لیکن در صورت وجود احکام متفاوت دیگری در دیگر قوانین، آن احکام بر این گونه شرکت‌ها حاکم خواهند بود». البته، این ماده از این جهت که شرکت دولتی را علی‌الاصول، تابع مقررات قانون تجارت معرفی نموده، متفاوت از لایحه اصلاح قانون تجارت است اما از آن جهت که در فرض وجود قانون خاص، آن قانون را بر قانون تجارت حاکم می‌داند، همانند لایحه اصلاح قانون تجارت است.

لزوم وجود میزان معینی سرمایه

در شرکت‌های سهامی، سرمایه اهمیتی خاص دارد. در این شرکت‌ها، اشخاص ثالث حساب ویژه‌ای بر سرمایه شرکت باز می‌کنند و در واقع این سرمایه، وثیقه دین شرکت است به اشخاص ثالث. به عبارت دیگر، سرمایه در این شرکت‌ها مابه‌ازاء مسئولیت محدود سهام‌داران است (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۱۶). اهمیت سرمایه در شرکت سهامی، تا بدان جا است که برخی

مؤلفین (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۱۷) پیشنهاد الزامی شدن و درج مبلغ سرمایه شرکت را در کلیه اسناد، آگهی‌ها و صورت حساب‌های آن ارائه کرده‌اند. در مقررات منسوخه شرکت‌های سهامی قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، حداقل سرمایه شرکت‌های سهامی پیش‌بینی نشده بود اما در ماده ۵ لایحه اصلاح قانون تجارت همسو با اغلب نظام‌های حقوقی دنیا و برخلاف دیگر شرکت‌های تجاری، قانون‌گذار، حداقل سرمایه را معین کرده است: «در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از ۵ میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از ۱ میلیون ریال نباید کم‌تر باشد...». برخی دیگر از نویسندگان (عبادی، ۱۳۸۷، ص ۷۳) علت این امر را اهمیت این شرکت‌ها و برخی دیگر (کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۶۹) حفظ حقوق اشخاص ثالث دانسته‌اند. تفاوت بین حداقل سرمایه در شرکت‌های سهامی عام و خاص را می‌توان به دلیل متفاوت بودن اهداف تشکیل (پاسبان، ۱۳۸۶، ص ۸۴) و نیز امکان تأمین بخش عمده‌ای از سرمایه شرکت سهامی عام به وسیله پذیره‌نویسی (خزایی، ۱۳۸۴، ص ۴۵) دانست. در هر صورت، با توجه به گذشت مدت زمان طولانی از تصویب لایحه اصلاح قانون تجارت و نوسانات زیاد در اقتصاد و در نتیجه تأمین‌نشدن هدف قانون‌گذار در خصوص شرکت‌های سهامی، که عبارت است از روی آوردن اشخاص به شرکت‌های سهامی برای فعالیت‌های کلان، لزوم افزایش مبالغ مذکور کاملاً احساس می‌گردد (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۱۶؛ پاسبان، ۱۳۸۶، ص ۸۴). در شرکت‌های سهامی عام و خاص، هنگام تأسیس شرکت، کلیه سرمایه باید تعهد به پرداخت گردد که در سهامی خاص این امر توسط مؤسّسین و در سهامی عام نسبت به حداقل ۲۰ درصد، توسط مؤسّسین و نسبت به مابقی توسط پذیره‌نویسان انجام خواهد شد. در هر صورت در هر دو شرکت ۳۵ درصد مبلغ مورد تعهد باید نقداً توسط متعهدین مذکور پرداخت گردد (مواد ۶، ۱۶ و بند ۲ ماده ۲۰ لایحه اصلاح قانون تجارت). عدم لزوم پرداخت تمام سرمایه شرکت سهامی در هنگام تأسیس، مورد تأیید مؤلفین حقوق تجارت قرار گرفته و علت آن، عدم نیاز این شرکت‌ها به تمام سرمایه در هنگام تأسیس و در نتیجه بلااستفاده ماندن سرمایه در صندوق شرکت، دانسته شده است (عبادی، ص ۸۸). با توجه به تبصره ماده ۶ و نیز بند ۲ ماده ۲۰ لایحه اصلاح قانون تجارت، در شرکت‌های سهامی عام و خاص، قسمتی از سرمایه می‌تواند به صورت غیرنقد باشد که مستفاد از مواد مذکور آن است که در این فرض، قسمت نقدی سرمایه نمی‌تواند کم‌تر از ۳۵ درصد کل سرمایه باشد (حسنی، ۱۳۸۷، صص ۴۷ و ۶۴؛ اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۳۶؛ عرفانی، ۱۳۸۶، ص ۲۵) و نیز قسمت غیرنقدی باید به صورت کامل پرداخت گردد.

هم‌چنین مستند به مواد مذکور، در شرکت سهامی خاص، امکان غیرنقد بودن تمام سرمایه مشروط به پرداخت تمام آن، وجود دارد. لازم به ذکر است که امکان تأمین سرمایه به صورت غیرنقد در شرکت‌های سهامی عام تنها ویژه مؤسّسین بوده و در نتیجه پذیره‌نویسان، فقط مجاز به تأمین سرمایه به صورت نقد می‌باشند (حسنی، ۱۳۸۷، ص ۴۷).

در هیچ یک از مواد لایحه اصلاح قانون تجارت، اشاره‌ای به نوع و کیفیت آورده‌های غیرنقدی نگردیده است. بنابراین، علی‌القاعده اموال مادی (اعم از منقول و غیر منقول)، غیرمادی (مانند منفعت، سرقفلی، حق اختراع، حق تالیف، دانش فنی)، صنعت (کار، تخصص، فعالیت) و طلب، می‌توانند به عنوان سرمایه غیرنقدی در نظر گرفته شوند (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۷ به بعد؛ اسکینی، ۱۳۷۹، ص ۲۰ به بعد؛ کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۶۲ به بعد). بررسی انواع آورده‌های غیرنقدی و نقد نظرات مختلف در این خصوص، خارج از حوصله بحث حاضر می‌باشد. اما، مختصراً اشاره گردد که در خصوص صنعت، برخی نویسندگان (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۶۵؛ اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۳۷) به استناد عدم امکان وصول مطالبات طلب‌کاران از چنین آورده‌هایی و نیز ایجاد غرر در روابط سهام‌داران، نظر به عدم امکان محاسبه چنین آورده‌هایی به عنوان سرمایه غیرنقدی شرکت داده‌اند.^۱ در خصوص طلب نیز با توجه به تأکید مقنن بر لزوم تسلیم آورده به شرکت و عدم امکان تسلیم طلب، همین نظر مورد پذیرش قرار گرفته (کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۶۲) و در مورد اموال مادی و منفعت، به ترتیب نسبت به عدم مخالفت با حقوق اشخاص ثالث و معین بودن، تأکید گردیده است (کاویانی، ۱۳۸۶، صص ۶۳ و ۶۴). مطابق مواد ۷۶ تا ۸۲ لایحه اصلاح قانون تجارت، ارزیابی آورده‌های غیرنقدی در شرکت‌های سهامی در هر صورت توسط کارشناس رسمی دادگستری انجام می‌گردد. در هیچ یک از مواد لایحه مذکور، حداکثری در مورد سرمایه شرکت‌های سهامی پیش‌بینی نگردیده، بنابراین در این خصوص هیچ محدودیتی وجود ندارد.

تغییرات در سرمایه شرکت سهامی، موضوع مواد ۱۵۷ تا ۱۹۸ این لایحه، بحث مفصلی است که مقاله حاضر در پی بررسی آن نیست. اما، در همین حد اشاره می‌گردد که سرمایه شرکت در طول حیات آن، هیچ‌گاه نباید از حداقل مقرر قانونی پایین‌تر بیاید. این موضوع، همان اصل لزوم ثابت ماندن یا غیرقابل برداشت بودن سرمایه است که در تمام شرکت‌های تجاری

۱. برای دیدن نظر مخالف در این خصوص رجوع کنید به (نبوی، ۱۳۷۳، صص ۲۱ و ۲۹۷؛ درجیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰).

لازم‌الرعايه است. اما، قانون‌گذار به دليل اهميت شرکت‌های سهامی، در مقررات راجع به این شرکت‌ها آشکارا آن را پیش‌بینی نموده است (ماده ۱۸۹ لایحه اصلاح قانون تجارت)^۱. در توضیح این اصل گفته شده است که «... منظور از ثابت‌ماندن سرمایه یا غیرقابل‌برداشت‌بودن آن، این است که مبلغ سرمایه همیشه در بیلان به عنوان یکی از اقلام بدهی شرکت نوشته شود و نمی‌توان به عنوان سود، تمام یا قسمتی از آن را میان صاحبان سهام تقسیم کرد» (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۱۶). قانون‌گذار ضمانت اجرای تقلیل سرمایه شرکت‌های سهامی از حداقل مقرر قانونی پس از زمان تأسیس، در صورتی که ظرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه یا تبدیل به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجاری اقدام نکرده، را انحلال شرکت می‌داند. با این ارفاق که اگر قبل از صدور رأی قطعی، موجب انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود (ماده ۵ لایحه مذکور).

بررسی لایحه جدید قانون تجارت

با توجه به گذشت زمان طولانی از تصویب لایحه اصلاح قانون تجارت و انتقاداتی که از حدّ نصاب سرمایه شرکت‌های سهام صورت گرفته بود، لایحه جدید قانون تجارت مبادرت به افزایش حدّ نصاب‌های مذکور نموده است. ماده ۴۸۳ این لایحه بیان می‌دارد: «در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از مبلغ ۵ میلیارد ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال نباید کم‌تر باشد. تبصره: در صورتی که تصدی به موضوع تجاری خاصی، مستلزم سرمایه‌گذاری بالاتری باشد، با تصویب هیأت وزیران حداقل سرمایه لازم تعیین خواهد شد». مقرر این تبصره در لایحه اصلاح قانون تجارت، مسبوق نیست و فارغ از درستی یا نادرستی آن، از این جهت تازگی دارد. لایحه جدید، مسئولیت مؤسّسین شرکت سهامی عام در خصوص پرداخت اولیه قسمتی از سرمایه شرکت را به نسبت قابل‌توجهی افزایش داده و آن را به حداقل ۲۰ درصد کلّ سرمایه رسانده است. همانطور که بیان گردید این مبلغ در لایحه اصلاح قانون تجارت معادل ۳۵ درصد از ۲۰ درصد کلّ سرمایه شرکت است که حدوداً معادل ۷ درصد سرمایه شرکت می‌گردد: «برای تأسیس شرکت سهامی عام، مؤسّسین باید دست کم

۱. «علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱، مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت می‌تواند به پیشنهاد هیأت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت به طور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه، به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد».

۲۰ درصد کل سرمایه را نقداً در حسابی به نام «شرکت در شرف تأسیس» نزد یکی از بانک‌هایی که به منظور امر کارگزاری پذیرهنویسی تعیین شده است واریز نموده و گواهی دریافت دارند.» (ماده ۴۸۵). همان‌طور که ملاحظه می‌شود مؤسّسین، مکلف به پرداخت تمام مبلغ مذکور بوده و در نتیجه بحث تعهد به پرداخت در این خصوص منتفی می‌گردد.

همین روال در پذیرهنویسی شرکت سهامی عام و نیز تأسیس شرکت سهامی خاص نیز وجود دارد. به این صورت که برخلاف لایحه اصلاح قانون تجارت (ماده ۱۶) که پذیرهنویسان ملزم به تعهد کل مبلغ پذیرهنویسی و پرداخت صرفاً قسمتی از این مبلغ می‌باشند. در ماده ۴۹۶ لایحه جدید به پرداخت تمام مبلغ پذیرهنویسی اشاره گردیده و در نتیجه، باید گفت که پذیرهنویسان باید در هنگام پذیرهنویسی نسبت به پرداخت همه مبلغ یاد شده اقدام نمایند: «پس از پایان مهلت پذیرهنویسی، مؤسّسین حداکثر ظرف ۳۰ روز ضمن بررسی امر پذیرهنویسی و احراز پذیرهنویسی تمام سرمایه شرکت، تعداد سهم هر یک از پذیرهنویسان را مشخص و مجمع عمومی مؤسس را دعوت خواهند کرد». هم‌چنین، بر خلاف لایحه اصلاح قانون تجارت که به لزوم تعهد همه و پرداخت حداقل ۳۵ درصد از کل سرمایه توسط مؤسّسین شرکت سهامی خاص اشاره دارد، بند ۲ ماده ۵۰۴ لایحه جدید لزوم پرداخت تمام سرمایه شرکت سهامی خاص در هنگام تأسیس شرکت را مقرر می‌نماید و اثری از تعهد به پرداخت در آن مشاهده نمی‌گردد: «۲- اظهارنامه حاکی از پرداخت تمام سرمایه شرکت [است] که به امضاء همه مؤسّسین رسیده باشد...»، بنابراین باید گفت در لایحه جدید در همه موارد، تمامی سرمایه مورد نیاز بایستی یکجا توسط مسئولین مربوطه پرداخت گردد. به عبارت دیگر، نهاد «تعهد به پرداخت» در لایحه جدید قانون تجارت جایگاهی ندارد.

در مورد امکان تأمین سرمایه به صورت غیرنقد، قانون‌گذار جدید تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای را اعمال نموده است. بدین صورت که مطابق ماده ۴۹۵ در شرکت سهامی عام، مطلقاً پرداخت تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیرنقد، ممنوع اعلام گردیده است: «پرداخت تمام یا بخشی از سرمایه شرکت سهامی عام به صورت غیرنقد مجاز نمی‌باشد» و نیز در شرکت سهامی خاص با توجه به بند ۲ ماده ۵۰۴ این امکان، محدود به دو سوم کل سرمایه گردیده است: «... سرمایه غیرنقد نمی‌تواند بیش از $\frac{2}{3}$ کل سرمایه شرکت باشد...»؛ اما با توجه به همین ماده، ارزیابی آورده‌های غیرنقدی همچنان باید بوسیله کارشناس رسمی صورت پذیرد: «... نمی‌توان سرمایه غیرنقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس رسمی پذیرفت...». همانند

لایحه اصلاح قانون تجارت، لایحه جدید نیز، حداکثری در خصوص سرمایه شرکت‌های سهامی در نظر نگرفته است و نیز همچنان با همان عبارات، بر اصل لزوم ثابت ماندن سرمایه در شرکت‌های سهامی با توجه به اهمیت این شرکت‌ها، تأکید نموده است (ماده ۶۷۲). سرانجام، قانون‌گذار ضمانت اجرایی مشابه با لایحه اصلاح قانون تجارت در خصوص کم‌ترشدن میزان سرمایه از حد نصاب قانونی در نظر گرفته که همان انحلال شرکت در صورت عدم جبران کسری یا عدم تبدیل به شرکت‌های تجاری دیگر است و تفاوت تنها در تقسیم مدت یک ساله مزبور به دو بخش ۶ ماهه می‌باشد (ماده ۴۸۴).

تقسیم سرمایه به سهام

ماده ۱ لایحه اصلاح قانون تجارت بیان می‌دارد: «شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده... است». بنابراین، یکی از ویژگی‌های اصلی شرکت سهامی که مدنظر قانون‌گذار بوده و بدین جهت آن را در تعریف این شرکت بیان نموده، تقسیم سرمایه به سهام است. این امر باعث گردیده برخی مؤلفین (پاسبان، ۱۳۸۶، ص. ۸۰) این ویژگی را به منزله یکی از ویژگی‌های ذاتی شرکت‌های سهامی، معرفی نمایند. این خصوصیت، شرکت سهامی را از دیگر شرکت‌های سرمایه‌ای مانند شرکت با مسئولیت محدود نیز متمایز می‌گرداند. بنابراین، می‌توان گفت سرمایه شرکت سهامی، عبارت است از جمع قیمت اسمی سهام آن شرکت که هر یک از سهام‌داران یک یا چند قسمت از آن را دارا می‌باشند. بحث در خصوص ماهیت حقوقی سهام و انواع آن، نیازمند بررسی نظرات مختلف در این خصوص می‌باشد که این مقاله قصد ورود در آن را ندارد. به همین جهت، این موضوع صرفاً به منابع مربوط ارجاع می‌گردد (عیسایی تفرشی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۲ به بعد؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۵۹ به بعد؛ اعظمی زنگنه، ۱۳۵۳، ص ۱۹۹ به بعد؛ اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۶۹ به بعد) اما، اشاره گردد که مطابق مواد ۲۵ و ۳۲ لایحه اصلاح قانون تجارت^۱، سهام باید در اوراق متحدالشکل منتشر گردد و مبلغ اسمی آن و نیز قطعات آن در صورت تجزیه باید متساوی باشد. تقسیم سرمایه به قسمت‌های معین و مساوی باعث آسان‌شدن اداره شرکت و تقسیم سود و زیان می‌گردد. به همین علت پیشنهاد گردیده به دلیل نبود مانع قانونی در دیگر شرکت‌ها نیز همین رویه مورد استفاده قرار گیرد؛ گرچه الزامی به این امر وجود ندارد (کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۶۷). قانون‌گذار، از قطعه‌سهام یا

۱. ماده ۳۲ این لایحه بیان می‌دارد: «مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد».

پاره‌سهم، تعریفی ارائه ننموده اما در توضیح آن گفته شده است که «... هر سهم ممکن است به چند قطعه معین که «پاره‌سهم» نامیده می‌شود تجزیه شده و هر پاره‌سهم دارای ارزش معینی بوده ولی، فاقد حقوق مربوط به یک سهم می‌باشد و مجموع آن‌ها یک سهم را تشکیل می‌دهد. پاره‌سهم در شرکت سهامی به مناسبت توزیع سهام مجانی بین سهام‌داران ایجاد می‌گردد تا سهام‌دارانی که سهام کم‌تری دارند از سهام مجانی مذکور محروم نشوند...» (عرفانی، ۱۳۸۶، صص ۲۲ و ۲۳). بنابراین باید گفت دارندگان سهام تجزیه‌شده به این دلیل که مجموع قطعات سهام در واقع یک سهم را تشکیل می‌دهد، مجموعاً دارای یک رأی خواهند بود گرچه همگی حق حضور در مجامع عمومی را خواهند داشت. مشکلات ناشی از عدم توافق احتمالی بین دارندگان سهام تجزیه‌شده، موجب گردیده برخی مؤلفین (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۶۵) پیشنهاد ممنوعیت قانونی صدور قطعات سهام را مطرح نمایند. از ماده ۳۲ لایحه اصلاح قانون تجارت علاوه بر استنباط اصل تجزیه‌پذیری سهام در حقوق ایران (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۶۴) می‌توان برداشت نمود که اولاً نمی‌توان مبالغ اسمی متعددی برای سهام‌های متعدد مقرر نمود؛ ثانیاً مبلغ سهام باید سراسر تعیین شده و به صورت اعشاری نباشد (پاسبان، ۱۳۸۶، ص ۲۷۰). زیرا در غیراین صورت، امکان تساوی مبلغ اسمی قطعات آن وجود ندارد. تجزیه قهری به ویژه در مورد انتقال سهام به وارث و یا کاهش سرمایه می‌تواند به عنوان استثنای اصل لزوم مساوی بودن مبالغ اسمی قطعات سهام مطرح گردد. قانون‌گذار در خصوص مبلغ اسمی سهام شرکت‌های سهامی، حداقلی تعیین ننموده اما مطابق ماده ۲۹ لایحه اصلاح قانون تجارت «در شرکت‌های سهامی عام، مبلغ اسمی هر سهم نباید از ۱۰ هزار ریال بیش‌تر باشد». همان‌گونه که گفته شده است (پاسبان، ۱۳۸۶، صص ۸۱ و ۲۴۰؛ کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۶۷؛ حسینی، ۱۳۸۴، ص ۷۲)، فلسفه این حکم قانون‌گذار را می‌توان فراهم‌نمودن امکان مشارکت اشخاص بیش‌تر با توانایی مالی پایین و در نتیجه به‌کارگیری سرمایه‌های کوچک و سرگردان به منظور نیل به اهداف کلان دانست. در شرکت‌های سهامی خاص چنین حکمی مقرر نگردیده در نتیجه در این شرکت‌ها هیچ محدودیتی در خصوص حداکثر مبلغ اسمی سهام وجود ندارد. تعیین شمار سهام بر عهده مؤسسان است (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۳۸) که باید پیش از دعوت و تشکیل مجمع عمومی مؤسس صورت گیرد: «گزارش مؤسسین باید حداقل ۵ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس... آماده باشد.» (تبصره ماده ۷۴ لایحه اصلاح قانون تجارت).

بررسی لایحه جدید قانون تجارت

در این لایحه، لزوم تقسیم سرمایه به سهام در شرکت‌های سهامی همانند لایحه اصلاح قانون تجارت به عنوان یک ویژگی اساسی در نخستین ماده بخش شرکت سهامی بدین صورت درج گردیده است: «شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده... است» (ماده ۴۷۹)؛ بنابراین، لایحه جدید، حکم لایحه اصلاح قانون تجارت را در این خصوص دقیقاً با همان عبارات تکرار نموده است. لایحه جدید قانون تجارت در ماده ۵۰۹ خود مانند لایحه اصلاح قانون تجارت به لزوم مساوی بودن مبلغ اسمی سهام، اشاره کرده است. اما برخلاف لایحه اصلاح قانون تجارت که اصل تجزیه پذیری سهام را پذیرفته جز در مواردی خاص مانند انتقال قهری یا کاهش و افزایش سرمایه حکم به ممنوعیت تجزیه سهام نموده است. این اقدام قانون‌گذار جدید با توجه به مشکلات ناشی از عدم توافق احتمالی دارندگان سهام تجزیه شده، قابل تأیید است. این ماده بیان می‌دارد: «مبلغ اسمی سهام باید مساوی باشد و صدور پاره‌سهام مجاز نیست. در صورتی که در اثر انتقال قهری یا کاهش یا افزایش سرمایه و یا به هر دلیل دیگر، پاره‌سهام به سهام‌داران تعلق گیرد، پاره‌سهام به ترتیبی که در اساس‌نامه تعیین شده بین سهام‌داران ذی‌نفع، توزیع خواهد شد». لایحه جدید مانند لایحه اصلاح قانون تجارت، حداکلی در خصوص مبلغ اسمی سهام پیش‌بینی نکرده و در این مورد تنها به ذکر حداکثر اکتفا نموده است؛ ماده ۵۱۱ در این خصوص بیان می‌دارد: «در شرکت‌های سهامی عام، مبلغ اسمی هر سهم نباید از ۱ میلیون ریال بیش‌تر باشد». همانطور که ملاحظه می‌گردد این محدودیت صرفاً برای شرکت‌های سهامی عام مقرر گردیده است و در نتیجه مانند لایحه اصلاح قانون تجارت، شرکت‌های سهامی خاص در خصوص حداکثر مبلغ اسمی سهام با محدودیتی روبرو نیستند.

محدود بودن مسئولیت سهام‌داران به میزان مبلغ اسمی سهام

ماده نخست لایحه اصلاح قانون تجارت، در تعریف شرکت سهامی بیان می‌دارد: «شرکت سهامی، شرکتی است که... مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آن‌ها است». ذکر این ویژگی در تعریف قانونی شرکت‌های سهامی، برخی مؤلفین را بر آن داشته که مانند لزوم تقسیم سرمایه به سهام، آن را به عنوان ویژگی ذاتی شرکت‌های سهامی معرفی نمایند (پاسبان، ۱۳۸۶، ص ۸۰) و عده‌ای دیگر یکی از مهم‌ترین اهداف لایحه اصلاح قانون تجارت را همین امر دانسته و حتی آن را به عنوان علت اصلی تشکیل شرکت‌های تجاری در مقابل مشارکت

مدنی، تلقی نموده‌اند (عیسایی تفرشی، ۱۳۷۸، صص ۱۴۸ و ۱۴۹). با توجه به تأیید ماده ۲۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰^۱ توسط شورای نگهبان، نظر به عدم مغایرت محدود بودن مسئولیت سهام‌داران در مقابل مطالبات اشخاص ثالث با احکام شرعی، داده شده است (عیسایی تفرشی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸). ظاهر ماده ۱ لایحه اصلاح قانون تجارت می‌تواند این برداشت را به همراه داشته باشد که در شرکت‌های سهامی، سهام‌داران علاوه بر مسئولیت نسبت به پرداخت مبلغ اسمی سهام شرکت در صورت مدیون شدن شرکت نیز به اندازه مبلغ اسمی سهام خود، مسئول پرداخت دیون شرکت می‌باشند در حالی که منظور این است که سهام‌داران با پرداخت مبلغ اسمی سهام خود به شرکت، دیگر مسئولیتی در قبال دیون شرکت نخواهند داشت. بنابراین باید گفت در خصوص مسئولیت سهام‌داران شرکت سهامی، اصطلاح «محدود» در معنای لغوی خود به کار نرفته و در واقع جای‌گزین اصطلاح «عدم» مسئولیت سهام‌داران در برابر طلب‌کاران شرکت در صورت پرداخت تمام مبلغ اسمی سهام، گردیده است (کاویانی، ۱۳۸۶، صص ۲۷۶ و ۲۷۷).

نکته دیگری که در خصوص این ماده قابل ذکر است توضیح عبارت «مبلغ اسمی سهام» می‌باشد. منظور از مبلغ اسمی سهام، مبلغی است که در اساس‌نامه برای سهم معین شده و در برهه سهام قید می‌گردد. در مقابل مبلغ واقعی، مبلغ اسمی و مبلغ تجاری قرار داده شده است (رسایی‌نیا، ۱۳۷۷، ص ۱۲۷). تعریفی که از مبلغ واقعی، رسمی و تجاری ارائه گردیده است تقریباً یکسان بوده و نشان‌گر ماهیت واحد و نام متفاوت برای این مبلغ می‌باشد و در مجموع می‌توان گفت مبلغی است که در بازار بورس برای سهام معین می‌گردد. بنابراین، این مبلغ می‌تواند کم‌تر، بیش‌تر و یا مساوی مبلغ اسمی سهام باشد. اما، ضمانت اجرای تأخیر یا عدم پرداخت باقی‌مانده^۲ مبلغ اسمی سهام به شرکت چیست؟ در حقوق ایران برخلاف حقوق فرانسه، مهلتی جهت پرداخت باقی‌مانده مبلغ اسمی سهام، تعیین نگردیده (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۸۸) و این موضوع به اساسنامه شرکت ارجاع گردیده است: «مبلغ پرداخت‌نشده سهام هر

۱. «مسئولیت مالی اعضا در شرکت‌های تعاونی محدود به میزان سهم آنان می‌باشد، مگر آنکه در قرارداد ترتیب دیگری شرط شده باشد».

۲. همانطور که در بخشهای پیشین بیان گردید، مؤسسين و پذیره‌نویسان شرکتهای سهام عام و خاص در هنگام تأسیس یا پذیره‌نویسی صرفاً مکلف به پرداخت قسمتی (۳۵ درصد) از مبلغ مورد تعهد خود می‌باشند و مابقی آن را تعهد به پرداخت می‌نمایند.

شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساس نامه مطالبه شود...» (ماده ۳۳ لایحه اصلاح قانون تجارت). جهت جلوگیری از تضییع حق دارنده سهام، مطالبه این مبلغ توسط سهام داران، دارای تشریفات و شرایط خاصی از جمله لزوم آگهی در روزنامه کثیرالانتشار و تعیین مهلت معقول جهت پرداخت می باشد.^۱ بعد از این مطالبه و انقضای مهلت تعیین شده پس از اظهار مجدد به صاحب سهم، سهام مذکور از طریق بورس یا مزایده به فروش می رسد و مازاد مبلغ در صورت وجود به شخص مورد نظر مسترد می گردد. امکان فروش سهام و استیفاء مطالبات شرکت از آن، بدون مراجعه به دادگاه، امری خلاف قاعده است زیرا مطابق قواعد عمومی اجرای تعهدات، شرکت در این فرض می بایست با مراجعه به دادگاه، متعهد (صاحب چنین سهمی) را مجبور به انجام تعهد قراردادی خود در خصوص ایتباع سهام نماید و در صورت استنکاف وی، دادگاه حکم به اجرای تعهد از محل دارایی شخص متعهد نماید. اما، قانون گذار با توجه به این که چنین اقدامی موجب صرف وقت و هزینه زیادی برای شرکت می گردد، اجازه فروش سهام مذکور را با رعایت شرایطی به شرکت اعطا نموده است. اما در هر صورت این اختیار، مانع رجوع شرکت به دادگاه و درخواست اجرای تعهد صاحب سهم در خصوص ایتباع سهام مطابق قواعد عمومی اجرای تعهدات نمی باشد. ثمره عملی این موضوع در فرضی که سهام شرکت با تنزل قیمت مواجه گردیده و در نتیجه از محل فروش سهام، امکان تأمین مبلغ اسمی آن نیست، آشکار می شود. سؤالی که در اینجا مطرح می گردد این است که آیا علاوه بر شرکت، طلبکاران شرکت نیز می توانند علیه صاحب چنین سهمی، اقامه دعوا کنند؟ به نظر می رسد با توجه به قاعده کلی مندرج در ماده ۳۶ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳^۲ که طلبکاران معسر را در تمام اختیارات و حقوق مالی، قائم مقام وی می داند، طلبکاران شرکت در این فرض، ممنوعیتی جهت اقامه دعوا علیه این سهام دار نداشته باشند زیرا، چنین سهام داری به منزله ی بده کار شرکت می باشد (کاوینانی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۶)؛ اما باید توجه گردد که این امر، منوط به اقامه دعوای اولیه علیه شرکت و بلاوصول ماندن مطالبات طلبکاران از آن می باشد. به عبارت دیگر «... قایم مقامی طلبکار، مشروط به ادعای اعسار یا اجرا نکردن اجرائیه ثبتی یا حکم دادگاه، ظرف مهلت

۱. رجوع کند به ماده ۳۵ لایحه اصلاح قانون تجارت.

۲. «در کلیه اختیارات و حقوق مالی مدعی اعسار که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد، طلبکاران او قائم مقام مدعی اعسار بوده و حق دارند به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کنند».

قانونی است» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۵۹)، زیرا در غیر این صورت ذی‌نفعی خواهان (طلب‌کار) که یکی از شرایط اقامه دعوا است^۱، مورد خدشه واقع می‌گردد. در همین راستا ماده ۸۷ قانون اجرای احکام مدنی نیز که اجازه توقیف طلب بده‌کار نزد ثالث را می‌دهد، ناظر بر فرض صدور اجرائیه اولیه علیه بده‌کار و عدم اجرای مفاد آن توسط وی می‌باشد.^۲ بدیهی است امکان رجوع طلب‌کاران به دارنده چنین سهمی منافاتی با اصل استقلال شخصیت شرکت از سهام‌داران (و در نتیجه اصل استقلال دارایی شرکت از سهام‌داران) ندارد. زیرا این رجوع از باب رجوع طلب‌کار شرکت به سهام‌داران شرکت نیست بلکه از باب رجوع طلب‌کار شرکت به بده‌کار شرکت است. نکته‌ای که در خصوص تشخیص سهام‌دار مسئول پرداخت مابقی قیمت سهام، لازم به ذکر است این است که مطابق ماده ۳۴ لایحه اصلاح قانون تجارت، تعهد به پرداخت با انتقال ورقه سهم منتقل می‌گردد. به دیگر بیان، اگر چنین سهمی به شخصی دیگر انتقال داده شده باشد، منتقل‌آلیه، مسئول پرداخت مبلغ باقی‌مانده سهام خواهد بود. بنابراین، رویه حقوق فرانسه که به موجب آن دارندگان متوالی سهام در قبال پرداخت مبلغ باقی‌مانده سهام، مسئولیت تضامنی دارند، در حقوق ایران قابل‌پذیرش نیست (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۹۰؛ خزایی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۳). علاوه بر این ضمانت اجرا (مطالبه مبلغ پرداخت‌نشده سهام و فروش آن)، دارنده سهامی که تمام مبلغ آن پرداخت نگردیده از داشتن سهام بی‌نام ممنوع خواهد بود: «مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت‌نشده صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهی‌نامه موقت بی‌نام، ممنوع است...» (ماده ۳۰ لایحه اصلاح قانون تجارت). علاوه بر این موارد که ناظر بر ضمانت‌اجراهای مربوط به دارنده چنین سهمی می‌باشد، عدم پرداخت مبلغ اسمی سهام شرکت، تعهدات و ممنوعیت‌هایی نیز برای شرکت به دنبال دارد: ممنوعیت صدور اوراق قرضه (ماده ۵۵ لایحه اصلاح قانون تجارت)، ممنوعیت افزایش سرمایه (ماده ۶۵ همین لایحه)، تکلیف هیأت مدیره به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده، جهت تقلیل سرمایه شرکت به میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه (ماده ۳۳ لایحه یادشده).

۱. ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر این که شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان، رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند».

۲. جهت دیدن شرایط و آثار دعوای غیر مستقیم رجوع کنید به (کاتوزیان، همان، ص ۳۵۲ به بعد).

بررسی لایحه جدید قانون تجارت

ماده ۴۷۹ لایحه جدید قانون تجارت که ماده نخست بخش شرکت‌های سهامی می‌باشد، مانند ماده اول لایحه اصلاح قانون تجارت و تقریباً با همان عبارات، محدود بودن مسئولیت صاحبان سهام به میزان مبلغ اسمی سهام آن‌ها را مقرر می‌دارد: «شرکت سهامی شرکتی است که... مسئولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی آن‌هاست». همان‌طور که ملاحظه می‌گردد تنها تفاوت این ماده با لایحه اصلاح قانون تجارت، حذف واژه سهم از بخش پایانی ماده است که به نظر می‌رسد ناشی از مسامحه بوده و پیشنهاد می‌گردد در تصویب نهایی، عبارت «مبلغ اسمی» به عبارت «مبلغ اسمی سهام» تغییر یابد. لایحه جدید بر خلاف لایحه اصلاح قانون تجارت در خصوص چگونگی مطالبه مبلغ پرداخت‌نشده سهام شرکت سهامی و ضمانت اجراهای مربوط به آن، ساکت است. علت این سکوت حذف نهاد «تعهد به پرداخت» در این لایحه می‌باشد. توضیح این‌که همان‌طور که در بخش‌های پیشین بیان گردید، قانون‌گذار در لایحه جدید مؤسّسین و پذیره‌نویسان، شرکت‌های سهامی را مکلف به پرداخت یکباره‌ی تمام مبلغ مورد نیاز برای تأسیس و پذیره‌نویسی کرده است. به همین دلیل، لزومی به ذکر ضمانت اجرای تأخیر یا عدم پرداخت باقی مانده مبلغ سهام نبوده است و در نتیجه موادّ لایحه اصلاح قانون تجارت که به این موضوعات می‌پرداختند در لایحه جدید بدون اضافه‌شدن موادّ جانشین، حذف گردیده‌اند.

امکان واگذاری آزادانه سهام

برخلاف دیگر شرکت‌های تجاری که نقل و انتقال سهم‌الشرکه در آن‌ها با محدودیت‌هایی مواجه و یا منوط به رعایت تشریفات از قبیل موافقت عده‌ای خاصّ از سهام‌داران و یا امکان انتقال به اشخاصی محدود و یا بعضاً تنظیم سند رسمی می‌باشد، در شرکت‌های سهامی علی‌الاصول سهام‌داران در انتقال سهام خود با محدودیتی روبرو نیستند و می‌توانند آزادانه سهم خود را به دیگران منتقل کنند. این اصل در آغاز برگرفته از ماده ۲۴ لایحه اصلاح قانون تجارت است که بیان می‌دارد: «... ورقه سهم، سند قابل معامله‌ای است...»؛ بنابراین مانند دیگران (خزایی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶) باید گفت قابلیت نقل و انتقال سهام از خصایص ذاتی ورقه سهم

۱. رجوع کنید به مواد ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۲۳، ۱۴۸، ۱۸۵ قانون تجارت و نیز ماده ۲۲ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوّب ۱۳۷۰.

می‌باشد. قانون‌گذار در ماده ۳۹ لایحه مذکور در خصوص سهام بی‌نام و چگونگی نقل و انتقال آن بیان می‌دارد: «سهام بی‌نام به صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این‌گونه سهام به قبض و اقباض به عمل می‌آید...». با توجه به تصریح قانون‌گذار به در وجه حامل بودن سند این‌گونه سهام، مقررات مواد ۳۲۰ الی ۳۳۴ قانون تجارت بر سهام بی‌نام حاکم خواهد بود (فرحناکیان، ۱۳۸۶، ص ۷۳۹). اما، نکته مهم در خصوص این ماده این است که قبض و اقباض، شرط صحت انتقال سهام بی‌نام نیست؛ در نتیجه باید گفت نقل و انتقال سهام بی‌نامی که بدون قبض و اقباض صورت پذیرفته معتبر است. اما در برابر شرکت قابل استناد نیست. به دیگر سخن، در رابطه بین شرکت و متعاملین، شخصی سهام‌دار محسوب می‌گردد که ورقه سهم بی‌نام در ید او باشد (کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۳). هم‌چنین مطابق ماده ۴۰ لایحه اصلاح قانون تجارت، نقل و انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت با حضور انتقال دهنده یا نماینده وی ثبت گردد. قسمت نهایی این ماده درباره ضمانت اجرای این شرط بیان می‌دارد: «هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است». این ضمانت اجرا حتی در جایی که انتقال سهام بوسیله ظهنویسی نیز انجام گرفته باشد مجری می‌باشد (ستوده تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۶۶). و از این رو هم‌دیدگاه با برخی (کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۲). به درستی باید تأیید کرد که این ماده در واقع به نوعی میان اصل رضایی بودن قراردادها و مصلحت شرکت، پیوند داده است. به این صورت که تشریفاتی وضع نموده که عدم رعایت آن‌ها مانع وقوع انتقال نمی‌گردد اما موجب عدم قابلیت استناد در برابر شرکت می‌گردد. بنابراین، باید گفت انتقالی که بدون رعایت مقررات این ماده انجام پذیرفته بین طرفین، لازم‌الاتباع است و در نتیجه منتقل‌الیه می‌تواند الزام انتقال‌دهنده را به ثبت سهام در دفتر ثبت انتقال سهام شرکت و نیز سود سهامی را که تا قبل از ثبت سهام، از شرکت دریافت نموده از او مطالبه نماید (دمرچیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸). رویه قضایی نیز این نظر را تأیید می‌کند.^۱ از سوی دیگر، عدم قابلیت استناد در برابر

۱. «قانون‌گذار اساساً در مقام ایراد خدشه به اصل نقل و انتقال سهام بدون رعایت تشریفات قانونی نبوده... و صرفاً بی‌اعتباری هم‌چنین نقل و انتقالی را... در برابر شرکت و اشخاص ثالث، اعلام داشته است». رأی شماره ۴۶۲-۱۳۷۲/۵/۹/۶۱ شعبه ۲۵ دادگاه عمومی تهران (اجتهادی، ۱۳۷۴، ص ۴۱). «... قانون‌گذار در نظر نداشته مادامی که رابطه قراردادی بین سهامدار و اگذارنده و منتقل‌الیه محصور است، متعرض آن گردد و صرفاً بی‌اعتباری چنین نقل و انتقالی را به محض این‌که از حصار بین و اگذارنده و اگذار شونده فراتر رفت و در برابر شرکت یا اشخاص ثالث قرار

شرکت نیز آثاری دارد از جمله این که، این منتقل الیه، حق مطالبه سود سهام را از شرکت ندارد و نیز تصمیماتی که احتمالاً در شرکت با حضور چنین منتقل‌الیهی اتخاذ گردیده است، با توجه به ماده ۲۷۰ لایحه اصلاح قانون تجارت قابل ابطال می‌باشد^۱ (دمرچیلی، ۱۳۸۱، ص ۸۳۰). آثاری که در خصوص معتبر بودن قرارداد بین طرفین و عدم قابلیت استناد در برابر شرکت، بیان گردید در موردی که اشخاصی (مالکین انتفاعی)^۲ با هدف شناخته‌نشدن به عنوان سهام‌دار شرکت طی یک قرارداد امانی^۳ توسط شخص ثالثی اقدام به خرید سهام شرکت می‌نمایند نیز مجری می‌باشد. (صفایی، ۱۳۷۳، ص ۳۳ به بعد؛ داراب پور، ۱۳۷۱، ص ۲۲ به بعد). ماده ۴۱ لایحه اصلاح قانون تجارت در خصوص قابلیت نقل و انتقال سهام در شرکت‌های سهامی عام، بیان می‌دارد: «در شرکت‌های سهامی عام، نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود». درآمره بودن مقرر این ماده و در نتیجه عدم امکان توافق برخلاف آن تردیدی وجود ندارد (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۶۶؛ کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸). همان‌گونه که گفته شده است (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۶۶؛ افتخاری، ۱۳۸۶، ص ۹۲؛ کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸؛ خزایی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶؛ دمرچیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۲) این ماده دارای مفهوم مخالف است. به این معنا که در شرکت‌های سهامی خاص، نقل و انتقال سهام می‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام گردد. بنابراین از مفهوم مخالف این ماده، لزوم مشروط بودن انتقال سهام شرکت‌های سهامی خاص به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی برداشت نمی‌گردد، بلکه مفهوم مخالف ماده، مفید معنای تخییر است (افتخاری، ۱۳۸۶، ص ۹۲). مشروط بودن انتقال سهام شرکت‌های سهامی خاص به موافقت مدیران یا مجامع عمومی در عمل بسیار رایج بوده و علت آن عدم تمایل سهام‌داران این شرکت‌ها به ورود افراد بیگانه و رقبا به داخل شرکت است (ستوده تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۲؛ خزایی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶). مستفاد از بند ۸ ماده و نیز ماده ۳۴ لایحه اصلاح قانون تجارت، لزوم

گرفت، اعلام داشته است... رأی شماره ۹/۷۵ - ۱۳۷۴/۱۲/۱۲ شعبه دادگاه عمومی اسلام شهر (هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۶۸، ص. ۹۴).

۱. برای دیدن نظر مخالف که در این فرض با توجه به مخاطره‌افتادن امنیت شرکت، نظر به عدم بطلان چنین تصمیماتی داده است رجوع کنید به (کاویانی، همان، ص. ۲۵۴).

2. Beneficial ownership
3. Fiduciary agreement

موافقت مدیران یا مجامع عمومی، باید در اساس‌نامه شرکت سهامی خاص قید گردد. در غیر این صورت مطابق اصل کلی قابلیت نقل و انتقال سهام، مقرر در ماده ۲۴ این لایحه و نیز اصل تسلط، سهام‌داران می‌توانند بدون جلب موافقت مدیران یا مجامع عمومی، سهام خود را منتقل نمایند. رویه عملی نیز حاکی از این موضوع است (افتخاری، ۱۳۸۶، ص ۹۳). برخی مؤلفین (کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸) به بطلان شرط لزوم جلب موافقت کلیه مدیران و یا سهام‌داران نظر داده‌اند. در هر صورت، مخالفت مدیران و مجامع عمومی شرکت سهامی خاص با انتقال سهام توسط سهام‌داران حتی در فرض پیش‌بینی اساس‌نامه و نیز انتقال توسط سهام‌داران شرکت سهامی عام، باید با حسن‌نیت بوده و ناشی از قصد اضرار نباشد (افتخاری، ۱۳۸۶، ص ۹۳؛ کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۹). انتقال سهام شرکت سهامی خاص که بدون در نظر گرفتن شرط اساسنامه در خصوص لزوم جلب نظر مدیران یا مجامع عمومی صورت گرفته، محکوم به عدم نفوذ و نه بطلان، می‌باشد. زیرا، اساسنامه شرکت تنها نقل و انتقال سهام را مشروط و نه ممنوع می‌نماید (خزایی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷). مطابق ماده ۱۹۸ لایحه اصلاح قانون تجارت «خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است». علت وضع این حکم، که در مقرر منسوخه شرکت سهامی مصوب ۱۳۱۱ وجود نداشته است، جلوگیری از کاهش و افزایش ساختگی قیمت سهام (خزایی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷؛ اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۶۸) و نیز دشواربودن شیوه کاربست حقوق ناشی از چنین سهامی (کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۰) می‌باشد. برخی از نویسندگان (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۶۹) در این باره باورداشت به ممنوع‌نبودن خرید سهام شرکت مادر از سوی شرکت‌های وابسته دارند. در هر صورت، می‌توان از «استهلاک سرمایه» بوسیله شرکت به عنوان استثنایی بر مقرر این ماده نام برد. البته، این امر تنها در جایی مجاز است که شرکت، اوراق قرضه منتشر نکرده باشد (ماده ۶۵ لایحه اصلاح قانون تجارت). می‌توان گفت (کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۰) مقرر این ماده، علی‌رغم سکوت قانون تجارت به عنوان قاعده‌ای فراگیر در همه شرکت‌های تجاری جاری است. کوتاه اشاره گردد که با نگرش به ماده ۲۱ لایحه اصلاح قانون تجارت، سهام شرکت‌های سهامی خاص قابلیت پذیرهنویسی و یا فروش در بورس اوراق بهادار و یا بانک‌ها را ندارند. در واقع، قابلیت عرضه سهام در بازار بورس، ویژگی منحصر به فردی است که در شرکت‌های تجاری، ویژه شرکت سهامی عام می‌باشد.

بررسی لایحه جدید قانون تجارت

لایحه جدید قانون تجارت نیز همانند لایحه اصلاح قانون تجارت، در ماده ۵۰۸ خود اصل

قابلیت نقل و انتقال سهام را مورد پذیرش قرار داده است: «گواهی سهم سند قابل معامله‌ای است...». ماده ۵۱۷ این لایحه با عباراتی مشابه، حکم ماده ۳۹ لایحه اصلاح قانون تجارت را تکرار می‌نماید و از این جهت متضمن مقرره‌ای جدید نیست. اما، ماده ۵۱۸ این لایحه، حاوی حکمی جدید است که در لایحه اصلاح قانون تجارت، مسبوق نیست. این ماده، در خصوص صدور سهام بی‌نام، محدودیتی به میزان ۳۰ درصد کل سرمایه در نظر گرفته است: «شرکت‌های سهامی اعم از عام و خاص، مجاز به انتشار سهام بی‌نام بیش از ۳۰ درصد سرمایه نمی‌باشند». ماده ۵۱۹ لایحه جدید در خصوص نقل و انتقال سهام با نام، تقریباً حاوی همان حکم ماده ۴۰ لایحه اصلاح قانون تجارت است با این تفاوت که در ابتدای ماده، سهام با نام تعریف گردیده است: «سهام با نام سندی است که نام دارنده و یا عبارت «با نام» در آن قید شود...». ماده ۵۲۰ این لایحه جایگزین ماده ۴۱ لایحه اصلاح قانون تجارت گردیده با این تفاوت که در آن عبارت «نباید» جایگزین «نمی‌تواند» گردیده است: «واگذاری سهم در شرکت‌های سهامی عام نباید مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهم بشود؛ به نظر می‌رسد متن ماده ۴۱ لایحه اصلاح قانون تجارت از این جهت مناسب‌تر باشد. زیرا مفهوم مخالف عبارت «نباید» در لایحه جدید، ممکن است حکم امری مشروط بودن انتقال سهام شرکت‌های سهامی خاص به موافقت مدیران یا مجامع عمومی را به ذهن متبادر نماید. از این جهت، پیشنهاد می‌گردد متن ماده ۴۱ لایحه اصلاح قانون تجارت در این خصوص ابقاء گردد.

نهایتاً ماده ۵۰۵ این لایحه با از سرگیری حکم ماده ۲۱ لایحه اصلاح قانون تجارت، شرکت‌های سهامی خاص را از عرضه سهام خود برای پذیره‌نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار، منع می‌کند: «شرکت‌های سهامی خاص مجاز به تأمین سرمایه از طریق آگهی عمومی به هر شکل و از جمله پذیره‌نویسی یا توسط بانک‌ها نمی‌باشند. هم‌چنین، نمی‌توان سهام این نوع شرکت را در بازار بورس اوراق بهادار عرضه نمود». ضمن تأیید حذف قسمت اخیر ماده ۲۱ لایحه اصلاح قانون تجارت (مگر این که از مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند) به دلیل اضافی و بدیهی بودن آن، معتقدیم که عبارات ماده مذکور به خوبی تنظیم نگردیده‌اند و این موضوع به‌روشنی از ظاهر ماده قابل استنباط است. به همین دلیل پیشنهاد می‌گردد متن این ماده، بدین صورت در تصویب نهایی اصلاح گردد: «شرکت‌های سهامی خاص نمی‌توانند برای فروش سهام خود به انتشار آگهی یا هر نوع اقدام تبلیغاتی از جمله پذیره‌نویسی مبادرت نمایند. هم‌چنین، سهام این شرکت‌ها قابل

عرضه در بورس اوراق بهادار و یا بانک‌ها نمی‌باشد».

تجاری‌بودن از لحاظ شکل

در خصوص ملاک تجاری‌بودن شرکت، اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای با توجه به ماده ۱ قانون تجارت که بیان می‌دارد: «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد» معتقدند که آنچه موجب تجاری‌بودن یک شرکت می‌شود، موضوع فعالیت شرکت است. به دیگر بیان، هر شرکتی که فعالیت‌های خود را یکی از موارد ماده ۲ قانون تجارت قرار دهد تجاری تلقی می‌گردد؛ صرف‌نظر از این‌که ساختار آن مطابق با یکی از انواع شرکت‌های تجاری موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت باشد یا خیر (کاتوزیان، ۱۳۷۳، صص ۲۴ و ۲۵؛ عدل، ۱۳۷۳، ص ۳۰۴؛ خلعت بری، ۱۳۱۲، ص ۷۷). در مقابل، عده‌ای دیگر در این خصوص، شکل شرکت را ملاک می‌دانند و معتقدند که هر شرکتی که مطابق با مقررات یکی از شرکت‌های تجاری ماده ۲۰ قانون تجارت شکل گرفته باشد، صرف‌نظر از موضوع فعالیت آن، تجاری است. استناد این گروه به بند ۴ ماده ۳ قانون تجارت در خصوص تجاری‌بودن کلیه معاملات شرکت‌های تجاری و نیز اطلاق ماده ۲۰ قانون تجارت در خصوص تجاری‌بودن شرکت‌های موضوع این ماده می‌باشد (معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲؛ آذری، ۱۳۵۱، ص ۹۶). نهایتاً گروهی دیگر اعتقاد دارند ملاک تجاری‌بودن شرکت، علاوه بر لزوم انطباق با یکی از انواع شرکت‌های تجاری موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت، تجاری‌بودن موضوع نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، به اعتقاد این گروه صرف انطباق صورت شرکت با یکی از انواع شرکت‌های تجاری، جهت تجاری‌گردیدن شرکت کافی نبوده بلکه، موضوع شرکت نیز باید انجام اعمال بازرگانی باشد (صقری، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶؛ عیسایی تفرشی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶؛ عیسایی تفرشی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲؛ فرحناکیان، ۱۳۸۷، ص ۲۰ و ص ۴۴). در قضاوت میان این سه نظر، باید گفت پذیرفتن نظر نخست باعث بیهوده‌بودن عمل قانون‌گذار در احصاء انواع شرکت‌های تجاری و بیان مقررات ویژه هر یک از آنها می‌گردد؛ به این معنی که اگر تنها انجام یکی از اعمال تجاری، صرف‌نظر از ساختار و شکل، شرکت تجاری تلقی گردد، دیگر چه نیازی به احصاء انواع شرکت‌های تجاری و تعیین مقررات تفصیلی هر یک از آنها توسط قانون‌گذار می‌باشد؟ هم‌چنین ملاک‌قراردادن شکل شرکت بدون توجه به موضوع فعالیت آن نیز نمی‌تواند مورد پذیرش باشد. زیرا اولاً با ملاک کلی مذکور در ماده ۱ قانون تجارت مغایرت دارد؛ ثانیاً استناد به بند ۴ ماده ۳ قانون تجارت نیز در تأیید این نظر بلاوجه است. زیرا، لزوم وجود

هماهنگی بین این بند و سایر بندهای این ماده و نیز ماده ۵ همین قانون که امکان اثبات تجاری نبودن معاملات تجار را پیش‌بینی می‌کنم و نیز اشاره ضمنی ماده ۱۲۹۷ قانون مدنی، به امکان غیر تجاری بودن معاملات تجار، اقتضا می‌نماید که در این شرکت‌ها صرفاً معاملات که برای امور تجاری انجام می‌گیرد، تجارتی تلقی گردد؛ گرچه از اعمال ماده ۲ قانون تجارت نباشد (دمرچیلی، ۱۳۸۱، ص ۴۵؛ آذری، ۱۳۵۵، ص ۶۷). با این استدلال، نادرستی استناد به اطلاق ماده ۲۰ قانون تجارت نیز روشن می‌گردد. بنابراین، نظر سوم با مقررات قانونی سازگارتر می‌باشد. البته، با این توضیح که علی‌الاصول، امکان تشکیل شرکت‌های تجاری برای انجام اعمال غیرتجاری وجود ندارد. به عبارت دیگر، علی‌الاصول یکی از شرایط تشکیل شرکت‌های تجاری احصاشده در ماده ۲۰ قانون تجارت، تجاری بودن موضوع این شرکت‌ها است و در نتیجه اصولاً امکان تشکیل این شرکت‌ها برای انجام امور غیر تجاری وجود ندارد (اسکینی، ۱۳۷۹، ص ۷۳؛ دمرچیلی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۵؛ کاویانی، ۱۳۸۶، ص ۷۱؛ خزایی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶). لزوم تجاری بودن موضوع شرکت‌های تجاری، تقریباً^۱ در تمام شرکت‌های تجاری ماده ۲۰ قانون تجارت، تصریح گردیده است. در هر صورت، بیان نظرات فوق و انتخاب نظر برتر برای آن است که بیان گردد قانون‌گذار در شرکت‌های سهامی، قاعده‌ای متفاوت از نظر منتخب را پایه‌گذاری نموده و صرفاً معیار شکل شرکت را برای تجاری شدن آن، کافی می‌داند. به دیگر بیان، قانون‌گذار صرف تشکیل شرکت در قالب شرکت سهامی را موجب تجاری‌گردیدن آن می‌داند؛ صرف نظر از این که موضوع فعالیت آن امور تجاری باشد یا خیر: «شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو این که موضوع عملیات آن، امور بازرگانی نباشد» (ماده ۲ لایحه اصلاح قانون تجارت). با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت اولاً شرکت سهامی تنها شرکتی است که می‌تواند با موضوع غیرتجاری تشکیل گردد^۲. ثانیاً علی‌رغم امکان غیرتجاری بودن موضوع شرکت سهامی، این شرکت در هر صورت تجاری می‌باشد. بنابراین،

۱. از بین شرکت‌های تجاری، این تصریح در مورد شرکت‌های سهامی، تعاونی و مختلط سهامی وجود ندارد که در دو مورد نخست این امر به دلیل شرایط خاص این شرکتها و اهداف قانون‌گذار می‌باشد که در ادامه توضیحات آن ارائه می‌شود و در مورد سوم، به دلیل تسامح قانون‌گذار (معرفی لایحه تجارت و نوآوری‌های آن، همان، ص ۱۴۲). همچنین رجوع کنید به مواد ۱۱۶ و ۹۴ و ۱۴۱ و ۱۶۲ و ۱۸۳ قانون تجارت.

۲. البته، همانطور که بیان گردید امکان تشکیل شرکت تعاونی نیز با موضوعی غیر تجاری وجود دارد؛ در این خصوص رجوع کنید به (حسنی، ۱۳۸۴، ص ۵۳ به بعد؛ عیسایی تفرشی، ۱۳۸۷، ص ۱۴ به بعد).

موضوع شرکت سهامی می‌تواند «تحقیقات در زمینه‌ی علوم و فنون و کشف امراض و تولید فیلم» (فروچی، ۱۳۷۲، ص. ۴) و یا «معاملات راجع به غیر منقول» (اسکینی، همان، ص ۱۹؛ عبادی، همان، ص. ۷۲) باشد. قابل ذکر است که در مقررات منسوخ شرکت سهامی، مصوب ۱۳۱۱، قانون‌گذار به لزوم تجاری بودن موضوع شرکت سهامی همانند دیگر شرکت‌ها تصریح کرده بود.

بررسی لایحه جدید قانون تجارت

لایحه جدید قانون تجارت در ماده ۴۳۹ به مباحث و دیدگاه‌های مختلفی در خصوص ملاک تجاری بودن شرکت‌ها خاتمه می‌دهد و شکل شرکت را فارغ از موضوع فعالیت آن، به عنوان عامل تعیین‌کننده در تمام شرکت‌های تجاری و از جمله شرکت سهامی، معرفی می‌نماید: «شرکت‌های تجاری مذکور در ماده ۴۳۸، صرف نظر از موضوع فعالیت آن‌ها، تجاری محسوب شده و مشمول این قانون و قواعد حاکم بر حقوق تجارت می‌باشند». منظور از شرکت‌های مذکور در این ماده، شرکت سهامی (عام و خاص)، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت تضامنی و شرکت تعاونی می‌باشد. بنابراین، مطابق لایحه جدید، تمام شرکت‌های مقرر در این لایحه صرف نظر از این که مبادرت به عملیات بازرگانی بنمایند یا خیر، شرکت تجاری و تابع مقررات قانون تجارت هستند. اما، نکته جالب توجه این که در لایحه جدید در هیچ کدام از تعاریف شرکت‌های مذکور^۱ تصریحی به لزوم تجاری بودن موضوع شرکت دیده نمی‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که شرکت‌های تجاری مذکور در این لایحه، برخلاف لایحه اصلاح قانون تجارت، می‌توانند با موضوعی غیرتجاری تشکیل شوند، اما در هر صورت، شرکتی تجاری تلقی و مشمول مقررات راجع به این شرکت‌ها می‌گردند.

نتیجه

از بررسی قوانین و مقررات تجاری، می‌توان این ویژگی‌ها را برای شرکت سهامی استخراج نمود:

اول: وجود حداقل ۳ شریک جهت تأسیس. البته شرکت‌های سهامی عام جهت تشکیل هیأت مدیره و در نتیجه انجام امور اجرایی نیاز به حداقل ۵ شریک دارند. در لایحه جدید قانون

۱. رجوع کنید به مواد ۴۷۹، ۷۳۹ و ۷۷۴ این لایحه.

تجارت، این تعداد برای شرکت سهامی عام ۱۰ نفر و برای شرکت سهامی خاص، ۳ نفر می‌باشد. وجود این تعداد از سهام‌داران مزبور، لازمه تأسیس و بقای شرکت می‌باشد.

دوم: وجود ۱ و ۵ میلیون ریال سرمایه به ترتیب برای تشکیل شرکت سهامی خاص و عام که بخشی از آن باید در هنگام تأسیس، پرداخت و مابقی تعهد به پرداخت گردد. هم‌چنین امکان غیرنقدبودن تمام (سهامی خاص) و یا قسمتی از سرمایه، وجود دارد. در هر صورت در طول حیات شرکت، سرمایه نباید از مقادیر مذکور کم‌تر شود. در لایحه جدید، این مقادیر به ۵۰۰ میلیون و ۵ میلیارد ریال، به ترتیب برای شرکت‌های سهامی خاص و عام افزایش یافته است. هم‌چنین در هر دو شرکت، نهاد «تعهد به پرداخت» و امکان تأمین غیرنقدی سرمایه در شرکت سهامی عام، منتفی گردیده است.

سوم: تقسیم سرمایه به سهام؛ که مبلغ اسمی سهام و نیز قطعات آن در هنگام تجزیه، باید متساوی باشد و در شرکت سهامی عام از ۱۰ هزار ریال بیش‌تر نباشد. در لایحه جدید، تجزیه سهام ممنوع و حداکثر مبلغ اسمی سهام در شرکت سهامی عام، به یک میلیون ریال، افزایش یافته است.

چهارم: محدودبودن مسئولیت سهام‌داران به میزان مبلغ اسمی سهام. به این معنا که سهام‌داران پس از پرداخت مبلغ اسمی سهام خود به شرکت، در مقابل طلب‌کاران شرکت، مسئولیتی نخواهند داشت. عدم پرداخت مبلغ مزبور به شرکت، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی برای دارنده این سهام و نیز شرکت به همراه خواهد داشت. در لایحه جدید با توجه به حذف نهاد «تعهد به پرداخت»، مواد مربوط به ضمانت اجرای عدم پرداخت مبلغ اسمی سهام، ذکر نگردیده‌اند.

پنجم: امکان واگذاری آزادانه سهام؛ به این معنا که سهام‌داران در این شرکت‌ها علی‌الاصول در انتقال سهام خود به فرد دلخواه با محدودیتی روبرو نیستند. اساس‌نامه شرکت سهامی خاص می‌تواند این آزادی را تا حدی محدود و انتقال سهام را منوط به تصویب هیأت مدیره یا مجامع عمومی نماید. این محدودیت در لایحه جدید نیز تکرار گردیده است.

ششم: تجاری‌بودن از لحاظ شکل؛ برخلاف دیگر شرکت‌های تجاری، صرف تشکیل شرکت در قالب شرکت سهامی، باعث تجاری‌بودن آن می‌گردد؛ گرچه موضوع عملیات آن، امور بازرگانی نباشد. این حکم در لایحه جدید به تمام شرکت‌های تجاری تسری داده شده است.

منابع و مأخذ

۱. آذری، آذریوان (۱۳۵۱)، جزوه حقوق تجارت، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲. _____ (۱۳۵۵)، مقاله «تقدیمی بر ماده ۳ قانون تجارت»، تهران: نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳. اجتهادی، علی و دیگران (۱۳۷۴)، گزیده آراء دادگاه‌های حقوقی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۴. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۸)، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۵. _____ (۱۳۷۹)، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
۶. اعظمی زنگنه، عبدالحمید (۱۳۵۳)، حقوق بازرگانی، چاپ چهارم، (بی‌جا).
۷. افتخاری، جواد (۱۳۸۶)، حقوق تجارت دوم (شرکت‌های تجاری)، چاپ سوم، تهران: نشر ققنوس.
۸. پاسبان، محمد رضا (۱۳۸۶)، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۹. حسینی، حسن (۱۳۸۴)، حقوق تعاون و حقوق تجارت، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
۱۰. _____ (۱۳۸۷)، حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث)، چاپ ششم، تهران: نشر میزان.
۱۱. خزایی، حسین (۱۳۸۵)، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، تطبیق اجمالی با لایحه اصلاحی (۱۳۸۴)، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر قانون.
۱۲. _____ (۱۳۸۵)، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، تطبیق اجمالی با لایحه اصلاحی (۱۳۸۴)، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر قانون.
۱۳. خلعت‌بری، ارسلان (۱۳۱۲)، حقوق تجارت، تهران: مطبوعه اطلاعات.

۱۴. داراب‌پور، سهراب (۱۳۷۱)، جنبه‌هایی از حقوق بازرگانی بین‌المللی، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۱۵. دمرچیلی، محمد و دیگران (۱۳۸۱)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم، تهران: انتشارات خلیج فارس.
۱۶. رسایی‌نیا، ناصر (۱۳۷۷)، کلیات حقوق بازرگانی (تجارت)، چاپ دوم، تهران: انتشارات ویستار.
۱۷. ستوده‌تهرانی، حسن (۱۳۷۴)، حقوق تجارت، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
۱۸. _____ (۱۳۷۶)، حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
۱۹. صفایی، سیدحسین (۱۳۷۳)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲۰. صقری، محمد (۱۳۷۹)، حقوق تجارت، بی‌جا.
۲۱. عبادی، محمدعلی (۱۳۸۷)، حقوق تجارت، چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۲۲. عدل، مصطفی (۱۳۷۳)، حقوق مدنی، فزوین: انتشارات بحر العلوم.
۲۳. عرفانی، محمود (۱۳۸۶)، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
۲۴. عیسایی تفرشی، محمد (۱۳۷۸) مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد نخست، چاپ نخست، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲۵. _____ (۱۳۷۹) معرفی شرکت تجاری، مجموعه مقالات حقوقی - بخش نخست (انتشارات کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی و اردبیل).
۲۶. _____ (۱۳۸۷)، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص)، جلد دوم، بی‌جا: بی‌نا.
۲۷. فرحناکیان، فرشید. (۱۳۸۷) قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
۲۸. فروچی، حمید. (۱۳۷۲) حقوق تجارت (شرکت‌های سرمایه‌ای - شخصی و مختلط)، جلد نخست و دوم، چاپ نخست، انتشارات روز جهان، تهران.
۲۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳)، حقوق مدنی (مشارکت‌ها - صلح)، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

۳۰. _____ (۱۳۷۴)، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، چاپ هفتم، تهران: نشر یلدا.
۳۱. _____ (۱۳۸۶)، حقوق مدنی (نظریه عمومی تعهدات)، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
۳۲. کاویانی، کوروش (۱۳۸۶)، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۳۳. کیایی، کریم (۱۳۵۰)، حقوق بازرگانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات بی‌نا.
۳۴. معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگان (۱۳۸۵)، معرفی لایحه تجارت و نوآوری‌های آن، چاپ نخست، تهران: نشر بازرگانی.
۳۵. نبوی، عزیز (۱۳۷۳)، اصول حسابداری، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات فروردین.
۳۶. هیأت عمومی دیوان عالی کشور (۱۳۶۸)، موازین قضایی هیأت عمومی دیوان عالی کشور، چاپ چهارم، تهران: نشر حسینییه ارشاد.